

مجلس شورای "اسلامی"

اهرمی دیگر در خدمت نظام سرمایه داری

بکمال و بی‌مبیین از قیام نوده‌ه‌سای زحمتکش ایران. بنا لآخره مجلس با اصطلاح نمایندگان مردم رسماً "افتتاح شد". این مجلس که بزعم عده‌ای قرار بسود کابون تعالی میارزات طبقاتی نوده‌ها باشدیه دلیل راه میافتن نمایندگان واقعی مردم به آن جز مرکزی بسسرای انعکاس تضادهای هیئت حاکمه در نیامده. با وجود آنکه "مردم" طرفدار کونا کونی ترکیب نمایندگان مجلس بودند (کیهان همان سماره‌ای که جمع آوری شد) حزب جمهوری اسلامی با انحصار طلبی مفرط و به کمک نقشی که در امور اجرایی انتخابات داشت توانست از طریق تقلب - های آشکار و نهان اکثریت مجلس را با کاندیداهای خود بدست بیاورد.

برای بررسی چگونگی تشکیل مجلس به گذشته باز میگردیم:

در عرض یک سال ونیم اخیر شاهد آن بودیم که چگونه دستاوردهای قیام خلق یکی پس از دیگری پایمال آرزو هسای سرکوفته عقب مانده ترین اقشار جامعه میشود و چگونه سرمایه داری فراری شده زمان شاه از دردیگر باز آمده تلاش دارد از گانه‌های اجرائی و مقننه را از آن خود کند. در این کشمکش سیاسی فشار بر روی نوده‌های زحمتکش جامعه هم مردم افزایش میابد و از آنجا که هیچگونه فرصتی برای مشارکت در اداره امور جامعه به نوده‌ها داده نمیشود، آنها با اوجگیری ناراضیتی به بی‌اعتنایی سیاسی کشیده میشوند.

تشکیل مجلس شورا نیز چنین روندی را بیدود. اسدا عده‌ای از مشتاقان با شور و حرارت به استقبال انتخابات مجلس خسرکان که بجای مجلس موسسان به زحمتکشان ما تحمیل شد، رفتند. اما مفرکه خسرکان حرنشلاش در تقویت حاکمیت موجودود در جهت سرکوب دستاوردهای

خیرش مردم حاصلی بهمراه نداشت. پس از تصویب " قانون اساسی" و فریاد مردم کذابیی نوبت به انتخابات مجلس شورای " اسلامی" رسید. این بار نیز نوده‌ها به تصور یافتن حق شرکت در اداره امور سیاسی جامعه به یای صندوق های رأی رفتند. اما در این فاصله نیرو هسای ارتجاع سرمایه داری نیز بیکار ننشسته و با دو مرحله‌ای کردن انتخابات و تقلب فراوان عملیات راه یافتن نمایندگان واقعی مردم شدید. در جریان انتخابات مرحله اول تغلب های هیئت حاکمه آنچنان شکل آشکاری بخود گرفت که دیگر کمتر کسی نسبت به ماهیت نمایتی مجلس تردیدی بخود راه میداد. بهمبیین دلیل میزان شرکت کنندگان در مرحله دوم انتخابات بطرز فاحشی کاهش یافته بخوبی روشن است که اگر بی‌علاقگی سیاسی نوده‌ها در شریط بحران زده ایران با چشم انداز جذب نیروهای سرخورده از هیئت حاکمه کنونی توسط نیروهای چپ نباشد نشانه وحشت انگیز پذیرش تئوسوری " کودتا" از سوی نوده‌های ناآگاه خواهد بود. هراس از این امر بویژه بادرک این مطلب که چپ به دلیل ضعف درونی خود کمتر قادر به شکل نوده‌های ناراضی از رژیم فعلی است بخوبی در جریان شایعه پردازیهای هفته گذشته درباره بروز " کودتا" نمایان بود.

با این مقدمه تأکید می‌کنیم کسه نقش نیروهای چپ در رابطه با مسائلی که در مجلس می‌گذرد از اهمیت بی‌سزهای برخوردار است. زیرا هنوز هیئت حاکمه با توسل به احساسات مذهبی نوده‌ها قادر به تأثیر گذاری بر آنها بوده و چون " از خمینی مردم ایایی نیسدارد کماکان می‌تواند قوانین ضد مردمی مصوبه مجلس را برخاسته از ضروری ترس نیازهای جامعه قلمداد کند. نیروهای

چپ کر چه بدون داشتن برنامه مشخص در دو انتخابات گذشته شرکت کردند اما اکنون با بدبیش از بیش اهمیت و ظایف خود را در قبال افشای ماهیت رژیم و بالتبع " مجلس شورا" درک کنند.

" مجلس شورای اسلامی" که براسنی شایسته نام مجلس نمایندگان حکومت است (زیرا بیش از آنکه منتخب مردم باشد، جناحهای هیئت حاکمه را نمایندگی می‌کند) در جریان ویس از تشکیل خود چنانکه انتظار میرفت مبدل به مرکز مبارزه برای کسب قدرت گشت:

با عساری بنی صدر بر روی انحصار نخست وزیر قبل از تشکیل مجلس کرچه با ناسند طاهری و موهبتی حمینی همراه بود اما راه بجائی نرسد. جناح طرفدار بنی‌صدر که به ترکیب مجلس نمایندگان پی برده و دریافته بود که در مجلس در اقلیت قرار خواهد گرفت سعی داشت مقام نخست وزیری را با وجود مبهم بودن نقش نخست وزیر در نظام آشفته کنونی جامعه، به یکی از همیالکی‌های خود بسپارد تا بلکه موضع خود را تقویت کند. از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی که دست رقیب را بیضا پیش خوانده بود از موقعیت مستحکم سر خود استفاده کرده مانع انجام این امر شد و آرزایه بعد از تشکیل مجلس موقوف کرد.

اظهار نظرات نمایندگان جناحهای هیئت حاکمه در عرض این مدت نشان از اوجگیری تضاد بین قطب‌های قدرت داشت. اما درست همزمان با آشکار شدن این اختلافات همدی آنها در سرکوب چپ، دامن زدن به آشفتگی جامعه به بهانه تصفیه فرهنگی، حمله به کردستان و کشتار بررجمانه و در نتیجه راه نیافتن نمایندگان خلق کرد به مجلس منفق‌القول بودند و حتی در اجرای موارد مزبور بر یکدیگر بنی می‌گرفتند.

کاندیدای ریاست مجلس با فشاری میکنند (انقلاب اسلامی - ۲۲ خرداد ماه ۵۹) - از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی در تمام موارد خواهان اجرای طرحهایی است که سلطه سیاسی خود را تثبیت کند در حالیکه رفقای آن ادعا میکنند که حل مسایل اقتصادی مبرم تر است . آنچه مشخص است اینست که نیت هیچ یک از جناحها در ریسدهای مزبور نقشی در حل بحران جامعه نخواهد داشت بلکه مهم عملکرد خرده بورژوازی با عقب ماندگی خود (پافشاری خلغالی در مورد تکبیر دستجمعی بجای رای گیری مخفی در مورد تصویب اعتبار نامه ها از نمونه های بارز این عقب ماندگی است - با ماد ۲۲ خرداد ماه ۵۹) از یکسو و عملکرد سرمایه داری در تلاشهای مذبوحانه ی خود در قالب ستی - صدر " لبرال " و یا مدنی سلطنت طلب در تاریخ سیاسی کشور از سوی دیگر

هیأت حاکمهای که مخالفست یکپارچگی خود را برای راه نیافتن نیروهای مترقی به مجلس نشان داده بود (تلاشهای شبانه روزی دستگاه تبلیغات را برای جلوگیری از انتخاب شدن مسعود رجوی بخاطر بیاورید) اینک خود ناگزیر به ورطه ی اختلافات درونی و منازعات ناشی از آن افتاده است . تمام کسانی که تشکیل مجلس را کامی در تثبیت حاکمیت و از سرگیری جریان عادی امور می بیند اشکند در خواهند یافت که چنین مجلسی نه تنها حلال مشکلات جامعه نبود بلکه با بروز تناقضات هیأت حاکمه در درون ارکان مقننه ، رژیم بیش از پیش از تثبیت خود ناتوان خواهد گشت . بدون شک مجلس نمایندگان حکومت بصورت کانون معارضا سبوه های سرکوب و بی اثر کردن فعالیت نیروهای چپ و مترقی جامعه از سوی جناحهای متحد حاکم نیز در خواهد آمد . عبارت دیگر

نک نظری خورده بورژوازی همراهِ با دسیسه جیبی بورژوازی کار را بدانجا رساند که حتی قبل از تشکیل مجلس از ورود عده ای از منتخبین مردم درپاره - ای نقاط به بهانه های مختلف جلو گیری بعمل آورد . البته تصفیه اساسی ترنمایندگان به زمان دادن اعتبارنامه ها موکسول شده بود . از اولین جلسه علنی مجلس اختلافات دامنه دار نمایندگان آشکار شد . ترکیب طاهری مجلس با ۱۵ نماینده سفرد ، ۸۶ نفر کاندیدای حزب جمهوری اسلامی ، ۳۳ نفر کاندیدای دفترهماهنکی ریاست جمهوری و ۱۲ نفر کاندیدای جنبه ملی ، سهم آزادی و جناح طرفدار مدنی طیف نا همگونی را که در عین حال در هیئت حاکمه و پاره های از مناسبات اجرایی کشور جای دارند نشان میدهد . بالطبع جناح طرفدار بنی صدر برای حاکم ب کاندیداهای منفرد و عرض اندام در مقابل

نیروهای چپ ، گر چه بد و ن برنامدی مشخص در انتخابات گذشته شرکت کردند اما اکنون باید بیش از پیش اهمیت وظایف خود را در قبال افشای ماهیت رژیم و بالطبع " مجلس شورا " درک کنند .

است . در ضمن ناکفته نماند از آنجا که هیأت حاکمه برای اداره ی امور تنی چند نور چشمی بیشتر در اختیار ندارد و مدام مجبور است جای آنها را در سلسله مراتب اجرایی و قانونگذاری عوض کند ، از نمایندگی مجلس خیرگیان به وزارتخانه ها بفرستد و وزارتخانه ها بمجلس نمایندگان اعزام دارد ، و جایگزینی این عده با افراد ناشناخته ولی سرسریده مدنی طول میکشد ، بناچار در عرض این مدت اوضاع ارکانهای اجرایی کشور نابسامان تر از پیش شده و ناراضی تری بوده ها تشدید خواهد شد . در این فاصله نوده های مردم که بیش از پیش به نتایج واقعی تضاد و وحدت بنی صدر - حمیدی - بهشتی (رهبر - ریاست جمهوری - مجلس) بی خواهند برد تا درک ماهیت نمایشی مجلس نمایندگان ، جناح اسلاف آنرا در زمان شاه تحمل بکردند در برابر

اشغال خاطر نمایندگان مجلس صرف نظر از اختلافات درونی خود برای کسب قدرت نهایی ، یافتن موثرترین سبوه برای از بین بردن این مزاحمهای همیشگی در امر تثبیت رژیم (یعنی نیروهای چپ) خواهد بود . شهر حال عمده ترین مسایلی که نمایندگان مجلس پس از تصویب اعتبار نامه ها در پیش رو دارند انتخاب هیئت رئیسه ی مجلس ، نخست وزیر و سپس تصویب بیسپاهادات مختلف برای اداره ی امور است . در هر یک از موارد فوق بروز درگیری های لفظی تشدید اجتناب ناپذیر خواهد بود . هم اکنون در ارکانهایی که نظرات جناح های هیأت حاکمه را منعکس میکنند میتوان حداقل دو خط فکری در زمینه ها بالا را مشاهده کرد . برای مثال در مورد انتخاب رئیس مجلس - حزب جمهوری اسلامی بر حزبی بودن و جناح طرفدار بنی صدر نیز منفرد بودن

حزب جمهوری اسلامی دست به تلاش های حسی میزند و در این امر تا کزیر ارتکب تراکسیون با جناحهای دیگر اطمینان خواهد شد ، زیرا در واقعیت امر کنترل سیاسی مجلس در دست حزب جمهوری اسلامی و روحانیون است . در این کیسیر و دار رسیدگی به اعتبارنامه ها سهانه خوبی بدست نمایندگان جناحهای مختلف داد تا به سبوه حساب های گروهی بپردازند ، اعلام ساواکی ، فراماسونری و فئودال بودن هست نماینده از سوی خلغالی و پافشاری براخراج آنها و هم چنین مخالف او با تعیین بازارکان بعواک نائب رئیس مجلس ، دستگیری خسرو - سقانی از سوی آنت الله حاکمهای امام جمعه ، تهران و سپس دلجوئی بنی صدر و دفیر امام از او و سزا مکان لعین اعتبارنامه ، مدنی و دفاع مصرانه او با ماد ۲۲ خرداد ۵۹) سر آعمار کوس های سبک جناح حاکم برای از میدان بدر کردن رفقای سیاسی خود است .

قوانین مصوبهٔ ضد مردمی مجلس اسلامی نیز سر به شورش
برخواهند داشت. درست همینجاست که نقش نیروهای چپ
در مورد افشای ماهیت جناحهای درگیر (وقدر مسلم نه تقویت
یکی در مقابل دیگری) اهمیت خود را آشکار میکند. اگر
نیروهای چپ نتوانند ناراضیاتی توده‌ها را کانالیزه کرده
و دامن اصلی و راه مبارزه را به آنها نشان دهند، بار
دیگر تمام مسئولیت شکست قیام توده‌های زحمتکش ایران را
متوجه خود خواهند کرد ●